

بررسی منحنی قوس شخصیتی در فیلمنامه عامه پسند

فرار رو به جلو

«عامه‌پسند» سومین فیلم سه‌هیل بیرقی بعد از «من» و «عرق سرد» است؛ فیلمی که سال ۱۳۹۸ ساخته شده و در جشنواره فجر سی و هشتم به نمایش درآمد بود اما در این چهار سال امکان اکران آن مهیا نشد. بیرقی در «عامه‌پسند» هم شخصیت اصلی فیلمش را یک زن در نظر گرفته است؛ زنی تنها و اینبار بدون اعتمادبنفس که در شهر محل تولدش هم به دلیل باورهای اشتباه، پذیرفته نمی‌شود.

نگاهی به شخصیت‌های محوری فیلمنامه

فیلمنامه عامه پسند، در همان ابتدا با محوریت قرار دادن فهیمه میربد، او را به عنوان شخصیت محوری داستان معرفی می‌کند. فهیمه زنی خانه‌دار و ۵۷ ساله است که برای انجام مراحل نهایی ثبت طلاق خود به دادگاه مراجعه کرده است. سکانس گفت‌وگوی فهیمه با مراجع قضایی در همان دقایق ابتدایی پرده اول، علاوه بر اینکه حادثه محرک و دعوت‌کننده قهرمان به ماجراست، نمونه موفقی از معرفی شخصیت در لایه‌های دیگر است. در این سکانس از خلال پرسش و پاسخ، نیاز و ضعف شخصیت مشخص می‌شود. ادعای فهیمه مبنی بر اینکه در طول ۲۸ سال زندگی مشترک، هیچ سند مالکیتی از خود ندارد و یا اینکه اجازه استفاده از اتومبیل شخصی‌اش را نداشته است ضعف شخصیت را در نبود استقلال مالی و جایگاه اجتماعی عیان می‌کند، وضعی که در این نقطه از داستان با جدایی از همسر به نیازی مبرم بدل خواهد شد.

جان تروپی در کتاب آناتومی داستان معتقد است ضعف و نیاز زیربنای هر داستان است. شخصیت داستانی دارای یک یا چند نقطه ضعف است که در ادامه همان ضعف به واسطه پی‌ریزی حوادثی به نیاز بدل می‌شود. در این شرایط، تحقق یک هدف برای شخصیت به منزله آرزو تعریف می‌شود و شخصیت برای رسیدن به آرزویی که از غلبه بر نیازش سرچشمه می‌گیرد، وارد ماجراهای داستان می‌شود.

ارائه قطره چکانی اطلاعات به مخاطب

در همان پرده اول از میان گفت‌وگوهای تلفنی فهیمه با پسرش نیما، اطلاعاتی از پیش داستان به صورت تدریجی و اصطلاحاً قطره چکانی به فیلمنامه تزریق می‌شود و مخاطب در می‌یابد محمد علی (همسر سابق) عاشق زنی دیگر شده است و پس از آن ماندن یا ترک زندگی مشترک را به عهده فهیمه گذاشته است. فهیمه نیز برای حفظ شان و منزلت خود، جدایی را انتخاب کرده است. انتخاب و تصمیم به جدایی، حادثه محرکی است که زندگی فهیمه را از تعادل و توازن پیشین خود خارج کرده است و پس از این فهیمه می‌کوشد تا با تصمیماتی عجولانه و نسنجیده این تعادل و توازن را به زندگی خویش بازگرداند. به همین نحو ساختار الگویی شخصیت در سه پرده جدایی، امتحان و بازگشت گشوده می‌شود. الگوی فیلمنامه عامه‌پسند شخصیت محور است، فیلمنامه‌های شخصیت محور با

تعامل با مردم شهر و تقابل با نهادهای اجتماعی، آزمون‌هایی هستند که شخصیت بر سر راه خود در ادامه داستان دارد.

اعتراض به مردسالاری در جامعه

از شخصیت‌پردازی فهیمه در می‌یابیم، زندگی در تهران، از فهیمه زنی ساخته که در تضاد با سنت‌ها و دیدگاه‌های مردم شهرضاست. نگاه فهیمه درباره حقوق اجتماعی زن در تنافر با موازین اجتماعی و عرفی است به همین خاطر او به قانونی که دست همسر را برای طلاق باز می‌گذارد و



عرفی که به یک زن تنها مجوز اجاره ملک را نمی‌دهد و یا نظامی که در آن یک زن ۵۷ ساله نمی‌تواند خود را بیمه کند، معترض است. به همین صورت تقابل‌های شخصیت در سطوح کشمکش‌های فردی و فرافردی با اطرافیان و جامعه آغاز می‌شود.

در رویدادهای که در شهرضا برای شخصیت اصلی داستان اتفاق می‌افتد، دو شخصیت مؤثر به صورت ملموس در داستان طراحی شده‌اند. اولین آنها زنی به نام افسانه است، افسانه در ابتدای مسیر، متحد قهرمان است اما در ادامه رنگ مردم شهر را می‌گیرد و در مخالفت با قهرمان عمل می‌کند، دیگری میلاد بدآغی است که فهیمه را برای شیرجه زدن در این آب کم عمق تهییج و حمایت می‌کند اما در ادامه به یکباره پشت او را خالی می‌کند. جان تروپی در این باره بر شبکه‌ای از شخصیت‌ها در اطراف قهرمان اشاره دارد که هر کدام کارکرد خاص به خود را در داستان دارند، کارکرد نقش افسانه بیانگر شخصیت حریف در لباس متحد است. شخصیتی که در ظاهر متحد قهرمان است اما در حقیقت حریف اوست و یا برای حریف اصلی کار می‌کند.

در فیلمنامه عامه پسند، دشمن شخصیت جامعه و افکار پوسیده عامه مردم است و افسانه نیز نماینده‌ای از همین افکار عامه‌پسند است. فهیمه پس از آنکه پیشنهاد همکاری با افسانه در بوتیک البسه فروشی را پس می‌زند به واسطه خرید یک دست مبل کارکرده با میلاد آشنا می‌شود. میلاد از نظر گرایش‌های اجتماعی درست در نقطه مقابل افسانه قرار دارد. او فردی خاص، با گرایش‌های هنری است که از نظر جامعه شهرضا مطرود است. میلاد سرشار از آموزه‌های

عدم تطابق و تجانس شخصیت با

شخصیت پردازی باعث عدم همراهی مخاطب با

شخصیت داستان می‌شود. در فیلمنامه عامه

پسند این عدم تطابق شخصیت و شخصیت

پردازی در فیلمنامه احساس می‌شود. چنانچه

تقابل اصلی شخصیت را در کشمکش‌های او با

افکار عامه پسند جامعه بدانیم در اطلاعات اولیه

و در ساحت شخصیت پردازی، فیلمنامه هیچ

سرنخ موثق و قابل اعتنایی به مخاطب نمی‌دهد

تمرکز بر شخصیت اصلی غالباً سفری را آغاز می‌کنند که در نهایت منجر به کشمکش درونی شخص با خود می‌شوند. در این فیلمنامه‌ها احساسات، عواطف و تفکرات شخصیت اصلی پیش برنده‌ی داستان هستند و ما از پس رویدادها در گذر زمان به زوایا و انگیزه‌های مختلف شخصیت آگاه می‌شویم. فهیمه معرف شخصیتی از نوع قهرمان سمپاتی است، آرمر معتقد است سمپاتی قهرمانی دوست داشتنی و دارای خصایص مثبت است که آسیب‌پذیری یکی از فاکتورهایی مهم در شکل‌گیری آن است، در این حالت قهرمان در موقعیتی دراماتیک قرار دارد که مظلوم واقع شده است و بیشترین همدردی با مخاطب را برمی‌انگیزاند. فهیمه پس از طلاق با اندک پولی که دریافت کرده است راهی شهرضا، شهر آب و اجدادش می‌شود. نقل مکان فهیمه و عزیمت او از تهران به شهرضا، پایان مرحله جدایی داستان و ورود او به مرحله امتحان است. راه‌اندازی کافه،